

پراکسیس شهری و تئوری حق به شهر

*پویان مذهب¹

1- دانشجوی دکتری شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال - mozaheb.pouyan@gmail.com

چکیده

با رشد روز افزون فرایند جهانی سازی و سلطه همه جانبه سرمایه داری مالی تحت نام نئولیبرالیسم ، شهر های قطبی شده و منفک امروز بیش از هر زمان دیگری تهی از معیارها و مفاهیم موجودیتی به نام انسان شده اند. سرمایه داری جهانی در رابطه تنگاتنگی که با دولت های وابسته به خود در یک اتحاد نامقدس برقرار کرده است، شهرها را از حیث ابتدایی ترین حقوق اکثر ساکنانش خالی و شهروندانش را از متن به حاشیه رانده است. فضاهای شهری امروز در قامت بنگاه های تجاری بزرگی درآمده اند که هدف غایی در آنها معطوف به انباشت هر چه بیشتر سرمایه شده است تا توجه به کیفیت زندگی روزمره ساکنانش و درست در چنین فضایی است که شاهد بروز انسان تک ساحتی و الینه شده ای خواهیم بود که با خود ، اجتماع و فضا بیگانه است. تئوری حق به شهر به مثابه فریادی است که "هانری لوفور" اندیشمند فرانسوی در جهت مطالبه گری این حقوق از دست رفته سر داده است. این پژوهش با روشی توصیفی - تحلیلی به دنبال واکاوی این نظریه در مورد مقوله فضاهای شهری و حقوق شهروندان نسبت به شهر می باشد که تا از این طریق به شناخت دقیق تری از راهبرد اساسی "پراکسیس شهری" به عنوان یک کنش اجتماعی برای باز پس گیری این حقوق از دست رفته شهروندان به عنوان بازیگران اصلی شهر دست یابد .

واژه های کلیدی: حق به شهر ، تولید فضا ، تصرف فضا، سرمایه داری ، پراکسیس شهری ، کنش اجتماعی